

بسم الله الرحمن الرحيم

آموزه های تربیتی داستان حضرت موسی (ع) در سوره طه

فریبا خداپناه^۱

چکیده

خدای متعال، انسان را با این هدف والا خلق کرده است که بدنبال کشف فضائل اخلاقی و رشد معنوی خود باشد و زمینه آرامش روح و قلب و در نتیجه رشد حقیقی خود را فراهم آورد. با توجه به این که نقش الگوی مناسب و مورد تایید پروردگار در این زمینه بسیار مهم و تاثیرگذار است و ملاک و معیار صحیحی را به انسان می نمایاند، در این پژوهش از نکات و آموزه های تربیتی یک الگوی بسیار ارزشمند همچون حضرت موسی، پیامبر بزرگ الهی و آموزه هایی والا از جریان حوادث زندگانی ایشان در سوره طه سخن به میان آمده است که می تواند کمک شایانی برای رشد معنوی فرد باشد. اگر آیات سوره طه که شامل ذکر مراحل مهم زندگانی حضرت موسی، نحوه ارتباط ایشان با خالق یکتا، توجه ویژه پروردگار به ایشان و توصیه هایی مهم به ایشان از جانب خداوند و موارد دیگر را مورد مطالعه قرار دهیم بسیار راهگشا بوده و در جهت پیشرفت روابط فردی و اجتماعی انسانها در جوامع مختلف می تواند تاثیرگذار باشد. حضرت موسی از پیامبران بزرگ الهی بوده که رابطه بسیار عاطفی و عاشقانه با معبود داشته، از قدرت اعتماد بالا به پروردگار هستی و سپردن امور به خداوند برخوردار بوده (طبق آیات سوره طه) است، مورد عنایت خاص خداوند متعال قرار گرفته، با توکل به قدرت بی انتهای خداوند به مبارزه جدی با طاغوت زمان خویش برخاسته و ناامیدی را از خود دور نموده است، از خداوند طلب صبر و شرح صدر و گفتار و رفتار نیکو را داشته و با یاد خداوند که در اعماق وجود ایشان نافذ بوده به رویارویی با حوادث سنگین زندگی می رود، به مخاطب در رویارویی با طاغوت های زمان، اراده و انگیزه قوی را انتقال داده و بندگی حقیقی در هر شرایط را به انسان می آموزد.

^۱ .طلبه سطح دو غیرحضوری حوزه علمیه خاوران مرکز قم، araamesh112@gmail.com

کلید واژه: تربیت, رشد, طه, طاغوت, موسی .

مقدمه

در قرآن کریم, این کتاب درس آموز زندگی, حکمتها و فضائل اخلاقی بسیاری مورد توجه قرار گرفته است که بررسی آنها در تمام سوره های قرآن کریم, جهت مسیر حرکت صحیح را به بشر نشان می دهد. در داستان حضرت موسی در سوره طه نیز این حکمت ها و فضائل ارزشمند به چشم می خورد که نیازمند تامل و دقت است.

وقتی به منابع مختلف در این زمینه مراجعه می کنیم و به نکات قابل توجهی در ارتباط میان خالق و مخلوقش که نمونه خاص آن, شخصیت والای حضرت موسی می باشد پی می بریم, داستان زندگانی ایشان با فراز و نشیب های حساسی همراه بوده است ولی با مدد الهی با موفقیت سپری شده است.

با توجه به اینکه در مقاله ها و کتاب های متعددی از داستان حضرت موسی در سوره طه با این عنوان: ۱- پیام راهنما نوشته علی باقری فر, ۱۳۹۶; ۲- قصه های قرآن نوشته لطیف راشدی, ۱۳۸۷; ۳- بازشناسی عوامل رهبری حضرت موسی با تاکید بر سوره طه نوشته ام البنین چابکی, فاطمه خادمی, عشرت صادقی, ۱۳۹۳; ۴- تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم نوشته جابر رضوانی, ۱۳۸۶; ۵- روایت مدرنیستی در داستان حضرت موسی در سوره طه نوشته اسدالله غلامعلی, ۱۳۹۹; که در آن ها به بررسی آیات سوره طه که شامل ماجرای رسالت حضرت موسی نیز هست بطور کلی و عام پرداخته اند, اما هیچ کدام از این مقالات و کتاب ها بطور خاص به تحلیل آموزه های تربیتی داستان زندگانی

و رسالت ایشان در سوره طه پرداخته است. به عبارتی سوال اصلی این است که آموزه های تربیتی داستان حضرت موسی در سوره طه چیست؟ در پاسخ به این پرسش، سوالاتی مطرح می شود که: ۱- فضائل خاص و قابل یادگیری در داستان حضرت موسی چه مواردی هستند؟ ۲- مخاطب شناسی حضرت موسی چگونه بوده است؟ ۳- کیفیت ارتباط این پیامبر بزرگ الهی با معبودش چگونه بوده و چه معیاری به ما می دهد؟

نحوه پاسخگویی به این سوالات و دیگر سوالات مرتبط در نوشتار حاضر به روش کتابخانه ای و به روش نقلی توصیفی است. در این نوشتار با نگاهی موشکافانه به نکات تربیتی آیاتی از سوره طه پرداخته شده است که می تواند منجر به ایجاد انگیزه و اشتیاق فراوان برای نمایاندن جهت حرکت انسان در مسیر بندگی حقیقی گردد.

بنابراین ضرورت پرداختن به این موضوع به این دلیل است که آشنائی هرچه بیشتر با روش و منش پیامبران بزرگ الهی از جمله حضرت موسی برای همه انسان ها لازم بوده و به ایجاد یک رابطه عاشقانه با معبود منجر می گردد.

۱- معنا شناسی

۱-۱- معنای لغوی و اصطلاحی آموزه :

آموزه در لغت به معنی تعلیم، آموزش، درس، و آنچه آموخته می شود است.^۱ مصدر باب تفعیل از آموز به معنی آموختن است.^۲

آموزه در اصطلاح به مجموعه ای از تعالیم و عقاید در یک زمینه خاص، مانند دین، فلسفه، یا علم اطلاق می شود.

آموزه ها می توانند شامل قواعد، اصول و دستورالعمل هایی باشند که برای هدایت رفتار و تفکر افراد ارائه می شوند.

مثال:

^۱ .دهخدا، فرهنگ لغت دهخدا، <https://abadis.ir/dekhoda/>

^۲ . عمید، فرهنگ لغت عمید، <https://abadis.ir/amid/>

آموزه های دینی مجموعه ای از تعالیم و عقاید هستند که در یک دین خاص ارائه می شوند، این مطلب در اینجا قابل ذکر است که موضوع این مقاله نیز در قلمرو آموزه های دینی قرار می گیرد.

آموزه های فلسفی به بررسی ماهیت واقعیت، معرفت و ارزش ها می پردازند.

آموزه هلی علمی بر اساس یافته های علمی و تجربی ارائه می شوند.

بنابراین، معنای دقیق آموزه می تواند بسته به زمینه و نحوه استفاده از آن متفاوت باشد.^۱

۱-۲ معنای لغوی و اصطلاحی تربیت:

تربیت در لغت به معنی پرورش و رشد دادن است.

-ادب آموختن: آموزش آداب و رسوم و رفتارهای درست به شخص.

-راهنمایی: هدایت و راهنمایی شخص به سمت کمال و سعادت.

تربیت در اصطلاح:

-فرآیند پرورش و رشد تمام ابعاد وجودی انسان: تربیت در اصطلاح به معنی فرآیندی است که به وسیله آن، استعدادهای بالقوه انسان در تمام ابعاد وجودی (جسمی، عقلانی، اخلاقی و ...) شکوفا می شود.

-ایجاد انسان کامل: هدف نهایی تربیت، ایجاد انسان کامل و متعادلی است که در تمام زمینه ها به کمال و سعادت برسد. تربیت صحیح، انسان را به سعادت می رساند، در این جمله، تربیت به معنای فرایند رشد و تکامل انسان است.^۲

۲- معرفی اجمالی سوره طه

این سوره، اولین سوره ای است که ماجرای حضرت موسی را به تفصیل بیان نموده و حدود هشتاد آیه را بدان اختصاص داده است. بخشی از آن نیز در مورد عظمت قرآن و صفات خداوند و بخشی در

^۱ .دهخدا، فرهنگ لغت دهخدا، <https://abadis.ir/dekhoda/> , عمید، فرهنگ لغت عمید، <https://abadis.ir/amid/> , [gemini.google.com](https://abadis.ir/amid/)

^۲ .همان، معین، فرهنگ معین، [gemini.google.com](https://abadis.ir/amid/)

ارتباط با سرگذشت آدم و حوا و وسوسه شیطان است و در پایان، اندرزه‌های بیدار کننده ای را بیان می‌دارد.^۱ بیستمین سوره و در مکه نازل شده است، علاوه بر عناوین ذکر شده، این نکته نیز قابل ذکر است که این سوره از جمله سوره‌های مسبحات است.

در بخش اول این سوره، اشاره کوتاهی به عظمت قرآن و بخشی از صفات جلال و جمال پروردگار شده است. بخش دوم که بیش از هشتاد آیه را دربرمی‌گیرد از داستان موسی (ع) سخن می‌گوید، از آن زمان که به نبوت مبعوث گردید و سپس با فرعون جبار به مبارزه برخاست و پس از درگیری‌های فراوان او با دستگاه فرعونیان و مبارزه با ساحران و ایمان آوردن آنها خداوند به صورت اعجاز‌آمیز، فرعون و فرعونیان را در دریا غرق کرد، و موسی و مومنان را رهایی بخشید. بعد، ماجرای گوساله پرستی بنی اسرائیل و درگیری هارون و موسی را با آنها بیان می‌کند. سومین بخش، درباره معاد و قسمتی از خصوصیات رستاخیز آمده است. بخش چهارم، سخن از قرآن و عظمت آن است و در بخش پنجم، سرگذشت آدم و حوا را در بهشت و سپس ماجرای وسوسه ابلیس و سرانجام هبوط آنها را در زمین توصیف می‌کند، و بلاخره در آخرین قسمت، نصیحت و اندرزه‌های بیدار کننده ای برای همه مومنان بیان می‌دارد.^۲

۳- آموزه های تربیتی داستان حضرت موسی(ع) در سوره طه

۳-۱- ضرورت وجود جانشین بعد از پیامبر، نکته ای اساسی در تمام دوران حیات بشر

در قرآن کریم قصه های متعددی بیان شده که غرض از طرح آن قصه ها، عبرت گرفتن پیروان قرآن برای دست یافتن به هدایت الهی و سعادت‌مند شدن است. با تامل در سوره طه، چنین به نظر می‌آید که اصلی ترین غرض نزول سوره طه که شامل داستان حضرت موسی می‌باشد، در کنار حل مشکلات پیامبر در ارتباط با مشرکان و آزارهای آنها، پاسخگویی به نگرانی های پیامبر نسبت به آینده است و حاکمیت جامعه اسلامی پس از خود بوده و به آن حضرت آرامش می‌بخشد. واژه های ((عرش)) و ((وزیر)) در داستان حضرت موسی مربوط به سیاست و حکومت است، ذکر واژه ی ((ملک)) در پایان قصه ی حضرت موسی و قصه ی حضرت آدم، این دو بخش قصه را با آغاز قصه ی حضرت موسی و

^۱ قرآنتی، ترجمه و تفسیر قرآن کریم، ص ۳۱۲.
^۲ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۱۵۴-۱۵۳.

ابتدای سوره که سخن از فرمانروائی خداوند بر عالم هستی به میان آورده بود، پیوند داده است و حکایت از روح مشترک حاکم بر داستان حضرت موسی در سوره طه در موضوع حکومت و فرمانروائی دارد. از اینجا بدست می آید که مسئله جانشینی پیامبر الهی، مسئله مهمی است، خدای تعالی در جریان نقل قصه سامری، بطور ضمنی و سر بسته، عدم وفای امت به پیمان پیامبرش در فرمان برداری از وزیرش (هارون) و پیروی از شخصی در حکم سامری را خبر داده است و به پیامبرش می فرماید: ((اگر فرمان روائی و حاکمیت در جامعه اسلامی از دست خلیفه و وزیر تو خارج می شود، اما هرگز از دست خدا خارج نخواهد شد)).^۱

۳-۲- فضائل وجودی حضرت موسی در سوره طه به عنوان الگوی رفتاری

از جمله ویژگیهایی که برای حضرت موسی در داستان ایشان در سوره طه ذکر شده و قابل توجه است، گفتگوی رک و صمیمی با خداوند متعال (آیه ۱۸ سوره طه)، اخلاص (آیات ۳۹ تا ۴۱ سوره طه) به طوری که خداوند او را خالص برای خود قرار داده است و بطوری که غیر خدا کسی در او نصیبی نداشته باشد و این مقام، بلندترین مقامهای عبودیت است، مراقبت ویژه خداوند از حضرت موسی موید این مطلب است، خوف (آیات ۴۵ و ۴۶ سوره طه) و (آیات ۶۷ و ۶۸ سوره طه)، وجود نوعی روحیه ترس و خوف در حضرت موسی که در راستای ارتقای معنوی و تکامل روحی حضرت موسی بوده است.^۲

۳-۳- مخاطب شناسی حضرت موسی (ع)

حضرت موسی با مخاطبانی با ویژگیهای گوناگون اخلاقی مواجه بوده است که یکی از آنها شخصیتی به نام فرعون است، فرعون نماد کفر، عناد، طغیان و فساد است، سرکشی و طغیان از برجسته ترین ویژگیهای فرعون بوده که خیلی از اوصاف دیگر از جمله ((تکذیب، عصیان، ادبار، انانیت و ...)) ناشی از آن است (آیه ۲۴ سوره طه).^۳ طغیان بدان سبب عارض شخص می شود که احساس می کند همه هدف هایش در زندگی تحقق یافته و سرکشیهایش به غایت رسیده ولی کسی که احساس می کند که اهدافش تحقق نیافته، در برابر راهها و وسایلی که سبب تحقق اهدافش می شود مجبور است که

۱. طیب حسینی، حاکمیت سیاسی جامعه اسلامی و ویژگیهای آن در سوره های مکی قرآن، بررسی سوره طه، ص ۸.

۲. چابکی، صادقی، خادمی، باز شناسی عوامل رهبری حضرت موسی (ع) با تاکید بر سوره طه، ص ۹.

۳. همان.

سر فرود آورد. این نکته تربیتی در اینجا بدست می آید که حضرت موسی در مواجهه با چنین شخصیت خطرناکی از خداوند صبر و سینه گشاده و رفتار مناسب را طلب می کند و معیار مواجهه با چنین افرادی را به ما می رساند. فرعون که از گفته وزیرش از ایمان آوردن به موسی منصرف شد، تمسک به روش ستمکاران و ظالمان بزرگان گذشته خود نموده و موسی را به سحر و جادوگری متهم کرد، غافل از اینکه عمل موسی سحر و جادو نبود بلکه معجزه ای بزرگ از سوی خداوند عالمیان برای شکست ساحران و حيله های فرعون و دستگاه حاکمه آن بود تا به عظمت و قدرت الهی پی ببرند.^۲ روش مقابله اولیای الهی با تهمت ها، صبر و مدد از خداوند و عمل درست و آگاهانه بوده است که باید الگوی رفتاری ما نیز قرار بگیرد.

۳-۴- تبدیل تهدید به فرصت با توجه به اوضاع سیاسی-اجتماعی زمان حضرت موسی

حضرت موسی در موقعیتی به پیامبری مبعوث شد که جامعه به لحاظ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در وضعیت بسیار نابسامانی قرار داشت. فرعون، قارون و سامری، قوم بنی اسرائیل را به استضعاف کشانده بودند. حضرت موسی با موقعیتی آشفته و کاملاً سیاسی روبرو بود. اصلاح جامعه مستلزم مدیریت و برنامه ریزی برای مبارزه در سه جبهه زر، زور و تزویر بود که ایشان با سه قدرت طاغوتی زمان خویش مبارزه کرد، بوسیله ارزیابی مهارتها و تشخیص محدودیتها (آیات ۲۵ تا ۳۰ سوره طه)، شرح صدر (آیات ۲۴ و ۲۵ سوره طه)، اتکال به قدرتی بی پایان (آیه ۲۵ سوره طه)، بهره گیری از بیان روان در تبلیغ اثربخش دین (آیات ۲۷ و ۲۸ سوره طه)، تاکید بر مدیریت مشارکتی (آیه ۳۱ سوره طه)، هدفگذاری (آیات ۳۳ تا ۳۵ سوره طه)، آگاهی، درایت و بصیرت (آیات ۲۹ و ۳۰ سوره طه).^۳

هرگونه تصمیم گیری و برنامه ریزی راهبردی، مستلزم شناخت وضع موجود از طریق بررسی عوامل محیط درونی و بیرونی است. این امر به رهبر امکان می دهد در مقابله با تهدیدات محیط بیرونی روشی هماهنگ و یکپارچه در پیش گیرد و با تبدیل آنها به فرصت ها، به اهداف خود به نحو شایسته ای دست یابد. در حکومت پیامبران می توان موارد بسیاری از تبدیل تهدیدها به فرصت ها را یافت. بویژه در حرکت های حضرت محمد (ص) که سعی داشت با بکارگیری روش های گوناگون مثل

۱. مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۷، ص ۱۴۱.

۲. رضوانی، تاریخ انبیاء، ص ۳۸۳.

۳. چابکی، خادمی، صادقی، بازشناسی عوامل رهبری حضرت موسی (ع) با تاکید بر سوره طه، ص ۱۵-۱۱.

بخشش، پاداش، تضمین جان و مال، امان نامه و ... هرگونه خطری را به موقعیتی برای تثبیت دین تبدیل کند، این از اصلی ترین استراتژیها در گسترش ادیان الهی به شمار می رود. در ارتباط با حضرت موسی (ع)، سحر ساحران می توانست تهدیدی بزرگ در برابر رسالت آن حضرت باشد که به یاری خداوند به فرصتی استثنائی برای تبلیغ دین الهی تبدیل شد، فرعون درصدد برآمد به مبارزه با جادوی موسی (ع) بپردازد و ساحرانی را جمع کرد، ساحران که به پیروزی خود پشتگرم بودند، کار را به موسی (ع) واگذاشتند (طه/۶۵) و موسی (ع) نیز از روی فروتنی، آنان را بر خود پیشی داد. موسی (ع) از این مسئله به صورت فرصتی برای ترویج دین و شریعت خود استفاده کرد، جادوگران با دیدن معجزه موسی (ع) به او ایمان آوردند و به تهدید فرعون اعتنایی نکردند، به این ترتیب موسی (ع) توانست بنی اسرائیل را که به بردگی مصریان درآمده بودند، به صورت امتی واحد درآورد؛ با پیمان شکنان با دین خدا برخورد سختی کند؛ قارون را از میان بردارد و سامری را از جامعه دور کند، اما در مقابل مردم نرمش نشان داد و از بسیاری از بهانه های آنها چشم پوشی کرد. در واقع او در میان چالشها، در جستجوی فرصتی برای کمال اجتماعی بود و در این راه از سعه صدر و حوصله وسیعی برخوردار بود.^۱

آموزه های دین نیز، بر بهره گیری از فرصت ها و مغتنم شمردن لحظه لحظه زندگی، همواره تاکید کرده اند. منظور از فرصت، آماده شدن اسباب کار خوب است. خردمند، وقت شناس است و از فرصت های پیش آمده به درستی استفاده می کند، میوه نارس را نمی چیند و طمع خام نسبت به چیزی نشان نمی دهد، هرکاری را بجا و به موقع انجام می دهد. اینکه آدمی شتاب زده به استقبال کاری رود که وقت انجام آن نرسیده یا شرایط تحقق آن موجود نیست و موانعی هم پیش رو دارد، نوعی کم خردی و نادانی است، زیرا توفیق لازم را بدست نمی آورد و چه بسا ممکن است زمینه پیش آمده را نیز تخریب کند و تحقق آن را به تاخیر بیندازد.^۲

این شناخت فرصت، به خوبی توسط حضرت موسی (ع) انجام شد و به خوبی و شایستگی، بهره برداری از فرصتهای الهی توسط ایشان به انجام رسید.

۳-۵- دوام یاد خدا نزد هر نعمت

^۱ همان، ص ۱۷

^۲ نظری و دیگران، درسنامه نهج البلاغه، ص ۴۶-۴۷.

یاد خداوند نزد نعمتهای او تا آن جا که وسیله معرفت و محبت و ایمان به او شود واجب است، که تجلی آن در منش حضرت موسی به چشم می آید (آیات ۳۳ و ۳۴ سوره طه)، اما دوام ذکر نزد هر نعمتی مستحب و موجب قرب او است و بهره برداری از مقام شاکرین است، لکن باید دانست که دوام یاد خدا نزد هر نعمتی، خیلی مشکل و از عهده نوع بشر بیرون است، زیرا نعمت های الهی درباره هر فردی افزون از شمار است و غفلت های غیر اختیاری انسان هم بسیار است.^۱

۳-۶- دل کندن از تعلقات دنیایی و ثبات قدم در توکل به پروردگار هستی

زمانی که در سرزمین مقدس از جانب حقتعالی خطاب رسید (آیه ۱۲ سوره طه): من پروردگار توام، پس تو ای موسی علائق (مال و عیال و اولاد) خود را از خود دور کن زیرا اکنون تو در مقام قرب ما هستی، در وادی مقدس طوی هستی، در مکان ارزشمندی قرار داری، ما تورا به مقام پیامبری خود مبعوث نمودیم پس آنچه وحی شود گوش فراده. احتمال داده می شود که منظور این است که ای موسی علاقه و دلبستگی از زن و فرزند و مال و گوسفندان را رها کن، زیرا هر که در مقام قرب ما آید محبت به چیزهای دنیا را دیگر نشناسد. خدای منان می خواست حضرت موسی را دلیر سازد که در برخورد با معجزات و آیات الهی که بعدا بر او ظاهر و هویدا می گردد ثابت قدم بوده و در مبارزه با فرعونیان استقامت کامل به خرج دهد و دیگر هیچ خوف و هراس در دلش راه نیابد.^۲

۳-۷- توجه به وحدت معبود در داستان حضرت موسی

در داستان حضرت موسی وقتی اطرافیان فرعون او را بر قتل حضرت موسی و قومش تحریک می کردند، معنای آن این است که ای فرعون، این شخص و قومش غیر از فسادی که در زمین برپا کرده اند، زیر بار پرستش تو و خدایانت نرفته اند، از این جمله به خوبی بر می آید که فرعون، هم ادعای الوهیت می کرد و مردم را به پرستش خود می خواند و هم برای خودش خدایانی داشت که آنها را

^۱ دستغیب، قلب سلیم، ج ۱، ص ۲۱۵.

^۲ قدس میرحیدری، تاریخ انبیاء (قصص القرآن)، ص ۲۷۱-۲۷۰.

می پرستید. در حالی که طبق (آیه ۹۸ سوره طه)، مطلب قابل ذکر این است که معبود شما تنها آن خدائی است که جز او معبودی نیست و دانش او همه چیز را در بر گرفته است.^۱

۳-۸- اصل توکل در هنگام هراس حضرت موسی با توجه به (آیه ۴۶ سوره طه)

توکل به معنای اعتماد بر غیر خود کردن و او را نایب خود قرار دادن است. در اخلاق اسلامی توکل به این معنا است که انسان با نور ایمان ببیند که هیچ فاعلی جز خدا نیست و از این رو بر اسباب و وسائط تکیه نکند و تنها بر خدا اطمینان و اتکال داشته باشد. انسان به گونه ای آفریده شده که برای رفع نیازهایش، باید به دیگران رجوع کند. از این رو به طور طبیعی به خویش و سایر موجودات اعتماد پیدا می کند. ولی موجودات، در هستی و کمالات، چیزی از خود ندارند؛ به همین علت موجودات در رسیدن به کمالات، اگرچه با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند، جز به خداوند متعال وابسته نیستند. اگر انسان به چنین رابطه وجودی با خداوند متعال ایمان داشته باشد، آگاهانه فقط به خداوند تکیه می کند؛ زیرا می داند فقط خداوند است که به نیاز همه بندگان آگاه است و بر رفع آن نیازها تواناست. خداوند خیرخواه بندگان است و به آنها رحمت و شفقت دارد و چون بخیل نیست، نیازهای بنده اش را مطابق خیر و مصلحت او تامین می کند. به اعتقاد مومن هیچ چیزی برای او رخ نمی دهد، مگر آنکه خداوند مقدر کرده باشد. پس اگر خداوند کسی را یاری کند هیچ کس بر او چیره نخواهد شد و اگر کسی را خوار سازد هیچ کس نمی تواند او را یاری کند، از این روست که مومن واقعی فقط خداوند را منشا آثار می داند و قدرت های دیگر را هیچ می شمارد؛ به این صورت که هرچه هست از اوست و غیر خدا در کار او سود و زیان نمی رساند و بر همین اساس نباید به غیر خدا تکیه کرد.^۲

با توجه به فرموده امام کاظم، یکی از مراتب توکل این است که در تمامی کارها به خداوند توکل و اعتماد کنی و به آنچه که خداوند با تو می کند، خشنود باشی؛ بدین خاطر که می دانی خداوند خیر تو را می خواهد و حکم و داوری در تمامی امور مخصوص اوست. بنابراین با تفویض و واگذار کردن کارها به خداوند بر او توکل نما و در تمامی کارها به خداوند اطمینان داشته باش،^۳ این گونه رفتار در حرکات و منش اخلاقی حضرت موسی در سوره طه به خوبی به نمایش گذاشته شده که نشان می دهد

۱. راشدی، قصه های قرآن، ص ۳۱۰.

۲. تحریری، اخلاق بندگی، ص ۱۰۱-۹۹.

۳. حر عاملی، ترجمه کامل جهاد با نفس، ص ۹۷.

شجاعت و انگیزه قوی رسالت ایشان و صبر در برابر مخالفان، به قدرت توکل و اعتماد ایشان به خداوند بر می گردد.

۳-۹- نجات یافتن از هرگونه اندوه با یاری پروردگار هستی با توجه به (آیه ۴۰ طه)

اندوه، حالت انفعالی ضد شادی و سرور است و وقتی پیش می آید که انسان شخص عزیز یا چیز گرانبهایی را از دست بدهد، یا حادثه ای برایش رخ دهد و یا این که در انجام کاری مهم دچار شکست شود. پدران و مادران معمولاً وقتی که فرزندان نزد آنها نباشند یا آزاری به آنها برسد و یا مسئله ناخوشایندی برایشان پیش آید، احساس اندوه می کنند. قرآن به اندوه مادر موسی پس از آن که او را در صندوقی گذاشت و به رودخانه افکند و موج آب، موسی را از او دور کرد، اشاره فرموده: ((ما بدین وسیله تو را به مادرت باز گردانیدیم تا به دیدار تو دیده اش روشن گردد و اندوهش برطرف شود)).^۱

با یاری پروردگار، هرگونه اندوهی از وجود انسان رفع می گردد همان گونه که خداوند اندوه را از وجود مادر حضرت موسی (ع) رفع نمود.

۳-۱۰- نعمت بهره مندی از الهام الهی با توجه به (آیات ۳۸ و ۳۹ طه، داستان موسی)

در قرآن، آیات زیادی آمده است که نشان می دهد الهام الهی ممکن است برای غیر انبیاء و فرستادگان خداوند پیش آید، مثلاً برای مادر موسی این حالت پیش آید (آیات ۳۸ و ۳۹ سوره طه).

قرآن همچنین به این موضوع اشاره می کند که ایمان و تقوا و اخلاص در پرستش خداوند و دارا بودن چیزهایی که مایه صفای دل و شفافیت روح هستند، انسان را آماده دریافت یک سری وحی ها و الهامات از سوی خداوند می کند تا او را به راه حق و خیر و فضیلت و هدایت، ارشاد و راهنمایی کند.^۲

^۱ نجاتی، قرآن و روانشناسی، ص ۱۴۰

^۲ همان، ص ۲۸۳-۲۸۱

۳-۱۱- پیروی از دستورات پیامبر و امام معصوم، ضامن نجات حقیقی انسان

نباید از این حقیقت که مسئولیت پیامبر، فراتر از تبلیغ نیست و لازم نیست خود را به رنج بیندازد چنین برداشت شود که آن بزرگوار می تواند اجازه دهد سرمایه های ارزشمند زندگی مردم و فرصت عمر آدمیان تلف شود و با گرفتاری در کام انحطاط و سقوط در تباهی ها، گرفتار عذاب استیصال در دنیا شوند بلکه باید مواضع را از سر راه مردم بردارد و با تمام توان برای هموار کردن راه گرایش به حقیقت تلاش کند و از طرف دیگر، آزادی انتخاب مردم هم به این معنا نیست که اگر کسانی به دعوت پیامبر خدا بی توجهی کردند، گرفتار پیامدهای زیانبار عملکرد خود نشوند و از کیفر الهی مصون بمانند.^۱

داستان رویارویی موسی با فرعون برای هشدار نسبت به این امر مهم و اساسی است. گرفتاری قوم یهود به عذاب استیصال و دشواری های فراوان زندگی، ناشی از عدم حرف شنوی آنان از موسی است که با نهایت دلسوزی و تمام توان خود کوشید تا شر فرعون و ستمگران را از سر آنان کوتاه کند ولی آنان پس از آزادی دچار ارتجاع و انحراف شدند، همچنان که تصریح کیفر الهی در جهان واپسین و عذاب رستاخیز نیز برای هشپاری مردم بیان شده است.^۲

۳-۱۲- نقش مهم ربوبیت الهی در ابعاد گوناگون زندگی با دقت در نشانه ها با توجه به (آیه

۵۳سوره طه)

قرار دادن زمین همانند گاهواره ای برای آرامش و آسایش انسان، وجود راه ها و امکان سیر و انتقال بر اثر هموار بودن زمین، نزول باران از آسمان و رویش گیاهان مختلف بوسیله آن، پرتوئی از ربوبیت خداوند است که در سخنان حضرت موسی قابل درک و مشاهده است (آیه ۵۳سوره طه).

همچنین نظام زمین و تناسب آن برای حیات و تغذیه انسان ها و دام های آنان، حاوی نشانه های فراوانی بر اثبات ربوبیت الهی برای ما انسان ها و توجه ما به تاثیر این نکته مهم در ابعاد گوناگون زندگی فردی و اجتماعی است.^۳ خداوند متعال، در تمامی شئون موجودات، حضور حقیقی دارد، به این

۱. باقری فر، پیام راهنما، ص ۲۱۸

۲. همان

۳. همان، ص ۲۱۹

معنا که هیچ یک از اوصاف و آثار وجودی برای موجودات ثابت نمی شود، مگر اینکه به او قیام داشته باشد، پس خداوند در همه شئون هستی (ذات، اوصاف و افعال)، قبل از هر چیزی وجود دارد، چنان که بعد از هر چیزی نیز موجود است. توجه به این نشانه ها در سخنان و رفتار موسی (ع) نیز قابل درک و مشاهده است.^۱

از آنجا که بخشی از سخنان موسی (ع) پیرامون مساله توحید و شناسایی خدا بود، قرآن در این سوره (طه) فصلی را در این زمینه بیان می دارد: زمین که مهد آرامش و آسایش انسان است و به برکت قانون جاذبه و همچنین قشر عظیم هوایی که اطراف آن را گرفته، انسان می تواند به راحتی و امن و امان روی آن زندگی کند، راه ها و جاده هایی که خداوند در زمین به وجود آورده است که تمام مناطق آن را به یکدیگر پیوند می دهد، همانگونه که غالباً دیده ایم در میان سلسله کوه های سر به آسمان کشیده، غالباً دره ها و راه هایی وجود دارد که انسان می تواند از آنها عبور کرده، به مقصد برسد. آبی که مایه حیات است و سرچشمه همه برکات از آسمان نازل شده است. گیاهان و نباتات مختلفی که بوسیله این آب از زمین می روید که قسمتی از آنها مواد غذایی انسان را تشکیل می دهند و بخشی مواد دارویی، قسمتی را انسان برای ساختن لباس مورد استفاده قرار می دهد و قسمت دیگری را برای وسائل زندگی (همچون درها و حتی خانه هایی که از چوب ساخته می شود و کشتی ها و بسیاری از وسایل نقلیه دیگر)، بلکه میتوان گفت این چهار نعمت بزرگ که در (آیه ۵۳ سوره طه) آمده است اولویت های زندگی انسان را تشکیل می دهد، قبل از همه چیز، محل سکونت و آرامش لازم است و بدنبال آن راه های ارتباطی، سپس آب و فرآورده های کشاورزی. تمام موارد ذکر شده برای اثبات مدبر بودن خداوند در عالم هستی بکار می رود که موسی (ع) نیز برای معرفی پروردگار جهانیان از این موارد، یاد کرده است. (طبق آیه ۵۳ سوره طه)^۲

۳-۱۳- امتحان و آزمایش مردم در زمان غیبت پیامبر و امام با توجه به (آیه ۸۵ سوره طه)

بر اساس آیات قرآن، یکی از سنت های فراگیر الهی، امتحان مردم است. بشر ناگزیر باید امتحان شود و این طریقه هم در گذشته و هم در آینده خواهد بود. از روایات چنین برمی آید که اعتقاد به امام غائب، محک و معیاری برای ابتلا و امتحان شیعیان است تا بدین وسیله درجه ایمان و تعهد آن ها آزموده شود. مردم در حوادث و فتنه های زمان غیبت به شدت امتحان می شوند و مرتبه ایمان و

^۱ تحریری، اخلاق بندگی، ص ۳۴.

^۲ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۲۲.

میزان تسلیم بودن آن ها در برابر تقدیر الهی مشخص می شود،^۱ همان گونه که در زمان غیبت حضرت موسی ، مردم آزمایش شدند و میزان اعتقاد و پایبندی آنها به دستورات پیامبر الهی مورد آزمایش قرار گرفت (آیه ۸۵ سوره طه)، اما متأسفانه سامری، موجب گمراهی آنان شد .

۳-۱۴- برخورد ملائم و محبت آمیز جهت تبلیغ دین الهی با توجه به (آیه ۴۴ سوره طه)

برای نفوذ در قلوب مردم (هر چند افراد گمراه و بسیار آلوده باشند) نخستین دستور قرآن برخورد ملائم و توأم با مهر و عواطف انسانی است (آیه ۴۴ سوره طه) و توسل به خشونت، مربوط به مراحل است که برخوردهای دوستانه اثر خود را نگذارد. هدف آن است که مردم جذب شوند، متذکر شوند و راه را پیدا کنند یا از عواقب شوم کار بد خود بترسند. ^۲ چگونه ممکن است زبان نرم، علاج سرکشی باشد. سرکشی حالت استکبار و غرور است. چاره غرور گاه به عنف صورت نمی پذیرد. باید در اعماق نفوذ کرد. پس آن که مردم را دعوت می کند باید بداند که هدفش فروکوفتن و نابود کردن متکبر نیست، هدفش ارشاد اوست، و نیز نباید طغیان را به طغیان پاسخ گوید، بلکه پاسخ طغیان، سعه صدر و نرم خویی است. سخن نرم برای سرکشان و طاغیان درس عملی است تا بداند که طغیان او عملی است نابجا، گاه همین سخن نرم اساس طغیان را منهدم می سازد و طاعی در می یابد که برای تحقق اهدافش راه دیگری هم هست. اندیشه دیگری هم از این آیه به ذهن راه می یابد که هر طغیانگر سرکشی تا در طغیان خویش به سطح فرعون رسد که ضرب المثل طغیان است، همچنان انسان است و او را برای راهیابی و هدایت فرصت است، پس نباید از هدایت افراد بشر نومید شد.^۳

هر مکتبی باید جاذبه داشته باشد و بی دلیل افراد را از خود دفع نکند. سرگذشت پیامبران و ائمه دین به خوبی نشان می دهد آنها هرگز از این برنامه در تمام طول عمرشان انحراف پیدا نکردند . جالب این که در برخی از روایات می خوانیم: حتی موسی مامور بود فرعون را با بهترین نامش صدا کند، شاید دردل تاریخ او اثر بگذارد.^۴ حتی وقتی فرعون از حال اقوام قبلی پرسید موسی (ع) با اینکه می توانست به تفصیل جواب دهد، اما چون می دانست مردم نسبت به نیاکان خویش حساسیت دارند لذا در جواب آنان کلی گویی کرد و علم آن را به خداوند احاله داد تا هم به سفارش (زبان نرم

۱. معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج)، مسیر یاری، ص ۴۷-۴۶.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۴۰.

۳. مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۷، ص ۱۴۲-۱۴۱.

۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۴۰.

داشتن) عمل کرده باشد و هم بهانه ای به دست آنان نداده باشد. مربی باید با سیاست، بعضی پاسخ ها را کلی و یا با سکوت جواب دهد تا بحث منحرف نشده و دستاویز دشمن نگردد.^۱

۳-۱۵- لزوم مبارزه با طغیانگران با توجه به (أَنَّهُ طَغَى) (آیه ۴۳ سوره طه)

بدون تردید فرعون دارای نقاط انحرافی فراوانی بود، کافر بود، بت پرست بود، ظالم و بیدادگر بود، ولی قرآن از میان همه این انحرافات مساله طغیان او را مطرح می کند (أَنَّهُ طَغَى)؛ چرا که روح طغیان و گردن کشی در برابر فرمان حق، عصاره همه این انحرافات و جامع تمام آنها است. هدف پیامبران در درجه اول، مبارزه با طاغوت ها و مستکبران است که باید هدف تمامی انسان های حقیقت خواه و آزادی خواه جهان قرار بگیرد.^۲

۳-۱۶- تاثیر غذای حلال و پاک بر اخلاق و رفتار فرد با توجه به (آیه ۸۱ سوره طه)

ذکر مواردی از قبیل (خوردن غذاهای پاک و انجام عمل صالح) پشت سر یکدیگر در قرآن کریم دلیل بر وجود یک نوع ارتباطی بین این دو است و اشاره به این است که تغذیه بر اعمال و رفتار تاثیرگذار است.

غذای حلال و پاک، روح را پاک می کند و سرچشمه عمل صالح می شود و غذاهای حرام و ناپاک روح و جان را تیره و سبب اعمال ناصالح می گردد،^۳ این نکته مهم در (آیه ۸۱ سوره طه) نیز مورد توجه قرار گرفته است.

رابطه تغذیه و اخلاق در روایات اسلامی: گرچه رابطه بالا در آیات قرآنی کم رنگ است و تنها اشاره ای به چشم می خورد، ولی این معنی (رابطه اخلاق و تغذیه) در روایات اسلامی دامنه گسترده ای دارد که نمونه هایی از آن را می آوریم: در یک سلسله از روایات، به رابطه تغذیه با سوء اخلاق اشاره شده است از جمله: ۱- در روایات متعددی می خوانیم یکی از شرایط استجاب دعا پرهیز از غذای حرام است. با توجه به اینکه در حدیثی از امام صادق (ع) می خوانیم: خداوند دعایی را که از قلب قساوت مند

۱. قرآنتی، ترجمه و تفسیر قرآن کریم، ص ۳۱۵.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۱۷.

۳. مکارم شیرازی، آیات اخلاقی، ص ۴۷.

برخیزد مستجاب نمی کند، می توان نتیجه گرفت که غذای ناپاک و حرام، قلب را تاریک و قساوت‌مند می کند و به همین دلیل دعای حرام‌خواران مستجاب نمی‌شود، و از اینجا به رابطه نزدیکی که در میان ناپاکی درون و تغذیه حرام وجود دارد، می‌توان پی برد.^۱

در حدیث معروف امام حسین (ع) در روز عاشورا آمده است که بعد از ایراد آن سخنان داغ و پرمحتوا و گیرا در برابر لشکر لجوج و قساوت‌مند کوفه، هنگامی که ملاحظه کرد آنها حاضر به سکوت و گوش دادن به سخنانش نیستند فرمود: ((آری، شما حاضر به شنیدن سخنان حق نیستید زیرا شکم های شما از غذاهای حرام پر شده است، در نتیجه خداوند بر دل‌های شما مهر زده است و هرگز حقایق را درک نمی‌کنید)).^۲

۲- در روایات دیگری آمده است که رابطه ای در میان خوردن غذای حرام و عدم قبول نماز و روزه و عبادات، وجود دارد، از جمله در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) می خوانیم: ((هرکس لقمه ای از غذای حرام بخورد تا چهل شب نماز او قبول نمی‌شود و تا چهل روز دعای او مستجاب نمی‌گردد و هرگوشتی که از حرام بروید، آتش دوزخ برای آن سزاوارتر است و حتی یک لقمه نیز باعث رویدن گوشت می شود)). بدیهی است برای قبولی نماز، شرایط زیادی لازم است از جمله حضور قلب و پاکی دل، اما غذای حرام، پاکی قلب و صفای دل را از انسان می گیرد.^۳

۳- در روایات متعدد دیگری از پیامبر اکرم و امامان معصوم آمده است که: کسی که چهل روز گوشت را ترک کند، اخلاق او بد می‌شود. از این احادیث به خوبی استفاده می‌شود که در گوشت، ماده ای است که اگر برای مدت طولانی از بدن انسان قطع شود، در روحيات و اخلاق او اثر می گذارد و کج خلقی و بد اخلاقی به بار می آورد. البته استفاده زیاد از گوشت حیوانات نیز در بعضی از روایات، مذموم شمرده شده ولی از ترک آن برای مدت طولانی نیز در بسیاری از روایات، نهی شده است.^۴

۴- در روایات زیادی که در کتاب ((اطعمه و اشربه)) آمده است، رابطه ای میان بسیاری از غذاها و اخلاق خوب و بد، بیان گردیده، به عنوان نمونه: در حدیثی از پیامبر اکرم می خوانیم: ((بر شما لازم است که از روغن زیتون استفاده کنید، زیرا صفرا را از بین می برد و اخلاق انسان را نیکو می کند))

۱. مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۲۱۰-۲۰۹.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۱۱.

۴. همان.

۵- در حدیثی از امام صادق به نقل از پیامبر اکرم می خوانیم: ((کسی که دوست دارد خشم او کم شود، گوشت درآج را بخورد)). از این تعبیر به خوبی استفاده می شود که رابطه ای میان تغذیه و خشم و بردباری وجود دارد.^۱

۶- در روایات مشروحی از تفسیر عیاشی از امام صادق، نقل شده درباره اینکه چرا خداوند خون را حرام کرده، می فرماید: ((این که خداوند، خوردن خون را حرام کرده به خاطر آن است که سبب جنون و سنگدلی و کمبود رافت و مهربانی میشود، تا آنجا که ممکن است فرزند و یا پدر و مادرش را به قتل برساند)). در بخش دیگری از این روایت می فرماید: ((و اما شراب، خداوند آن را به خاطر تاثیر و فسادش حرام کرده است و چنین شخص شرابخواری مانند بت پرست است، بدنش لرزان می شود و نور معنویت او را از بین می برد و شخصیت او را ویران می سازد)).^۲

۷- در روایات متعددی که در کافی درباره انگور آمده است، رابطه میان خوردن انگور و برطرف شدن غم و اندوه دیده میشود.^۳

۸- در احادیث متعددی نیز رابطه بین خوردن انار و از میان رفتن وسوسه های شیطانی و بوجود آمدن نورانیت قلب دیده میشود.^۴

۹- در روایات متعددی در ارتباط با ((خوردن)) تعبیراتی دیده میشود که همه نشانه ارتباط تغذیه با روحیات و مسائل اخلاقی است، از جمله در حدیثی از پیامبر اکرم می خوانیم که به جعفر ابن ابی طالب فرمودند: ((ای جعفر، ((به)) بخور، قلب را تقویت می کند و ترسو را شجاع می سازد. از مجموع آنچه بیان شد به خوبی استفاده میشود که رابطه نزدیکی میان تغذیه و روحیات و اخلاقیات وجود دارد، هرگز نمی گوئیم غذاها علت تامه برای اخلاق خوب یا بد است، بلکه همین اندازه می دانیم که طبق روایات، یکی از عوامل زمینه ساز پاکی و اخلاق، تغذیه است، هم از نظر نوع غذاها و هم از نظر حلال و حرام بودن آن ها،^۵ و همین نکات مهم سبب گردیده که به عنوان سفارش خدای بزرگ در داستان حضرت موسی در سوره طه مورد توجه قرار گیرد.

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۱۲.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان، ص ۲۱۴.

۳-۱۷- یاد خداوند زمینه ساز آرامش دل و پرورش روح با توجه به (آیه ۳۴سوره طه)

این آرامش فوق العاده ای که طبق فرموده قرآن کریم تنها ناشی از یاد خداوند است، بخاطر آن است که نگرانی ها گاه به خاطر آینده تاریک و مبهمی است که در پیش روی انسان است و یا دنیاپرستی و دلباختگی نسبت به دنیا، سوء ظن ها و توهمها و ترس و وحشت از مرگ، بخل و حسد و حرص و طمع و مانند آنها نیز از عوامل نگرانی انسان است.

یاد خدا، همان خداوندی که جواد و کریم و رحمان و رحیم و خالق و رازق و بخشنده و بنده نواز است، خداوندی که حل هر مشکلی در برابر قدرتش آسان و هر امر پیچیده ای در برابر اراده اش ساده است. پس یاد چنین پروردگاری، مایه آرامش دلها و سبب پرورش فضائل اخلاقی است.^۱ از اینجا حکمت درخواست حضرت موسی از خداوند بدست می آید که دلیل ارزشمندی یاد خداوند را نشان می دهد.

۳-۱۸- اهمیت نماز به عنوان راس همه عبادات با توجه به (آیه ۱۴سوره طه، داستان موسی)

توحید در راس همه عقاید و نماز در راس همه عبادات است. عبادت باید خالصانه باشد و نماز، اولین دستور کار و برنامه عملی انبیاست که در ادیان دیگر نیز بوده است و هدف از اقامه نماز، تنها رعایت قالب آن نیست، بلکه توجه به قلب آن یعنی احساس حضور است و به خاطر یاد خداوند است که یاد او موجب آرامش دل می گردد. آبر اساس این درجه از اهمیت نماز، دستور اقامه آن به حضرت موسی (آیه ۱۴سوره طه) مطرح گردیده است. آیاتی از جمله (آیه ۱۴سوره طه) به فلسفه های مهم نماز اشاره شده است و آن اینکه انسان در زندگی این جهان با توجه به عوامل غافل کننده، نیاز به تذکر و یادآوری دارد، با وسیله ای که در فاصله های مختلف زمانی، خدا و رستاخیز و دعوت پیامبران و هدف آفرینش را به یاد او آورد و از غرق شدن در گرداب غفلت و بیخبری حفظ کند، نماز، این وظیفه مهم را بر عهده دارد. انسان صبحگاهان از خواب برمی خیزد، خوابی که او را از همه چیز این جهان بیگانه کرده، می خواهد برنامه زندگی را شروع کند، قبل از هر چیز به سراغ نماز می رود، قلب و جان خود را

^۱ مکارم شیرازی، آیات اخلاقی، ص ۹۵.
^۲ توسلی، تفسیر آیات دین و زندگی، ص ۲۱۹.

با یاد خدا صفا می دهد، از او نیرو و مدد می گیرد، و آماده سعی و تلاش توام با پاکی و صداقت می گردد. نماز، انسان را به یاد خدا می دارد، یاد خدا نفس مطمئنه به او می دهد، و نفس مطمئنه او را به مقام بندگان خاص و بهشت جاویدان می رساند.^۱

۳-۱۹- مقام شرح صدر، نور خدائی بر قلبها با توجه به (آیه ۲۵ سوره طه)

شرح صدر و گشادی سینه، کنایه از فهم و درو و بینش و بصیرت درست و آمادگی برای پذیرش حق است و کسی که شرح صدر دارد، درست می اندیشد و حقایق را آن چنان که هست درک می کند و این بالاترین حالت روحی پسندیده ای است که یک انسان می تواند آن را داشته باشد. پیامبران چنین حالتی را داشتند، از این رو علاوه بر اینکه دل و جان آنان در اختیار حق قرار داشت، در رساندن پیام حق به دیگران، هرگونه رنج و زحمتی را متحمل می شدند و با وسعت نظر، رسالت خود را انجام می دادند و عکس العمل های ناپسند مخالفان، آنان را در این راه خسته و ملول نمی کرد و بی توجه به آزار مخالفان، سرزنده کار خود را در جهت هدایت دیگران پی می گرفتند. این همان شرح صدری است که حضرت موسی در مقابل فرعون از خدا خواست.^۲

مقام شرح صدر، نور خدائی، از رسول خدا پرسیدند: شرح صدر چیست؟ فرمود: ((نوری است که خدا در دل مومن می اندازد پس سینه اش گشاد و باز می شود برای پذیرفتن حق. پرسیدند: آیا برای این نور، نشانه ای هست که بدان شناخته شود؟ فرمود: ((آری، میل و رجوع به سوی آخرت و خالی شدن دل از دوستی دنیا و تدارک سفر آخرت پیش از رسیدن مرگ (به کوشش در توبه و اخلاص در عمل)).^۳ حضرت موسی (آیه ۲۵ سوره طه) از خداوند شرح صدر را درخواست نموده که اهمیت والای این فضیلت اخلاقی را می رساند که سبب پذیرش حق در تمام مراحل و حوادث زندگی ایشان شود. خداوند بزرگ نیز، شرح صدر را در جهت حمایت از بنده حقیقی خود یعنی حضرت موسی، به ایشان عطا نمود و یک الگوی رفتاری دیگر را به مخاطب این آیه قرآن (آیه ۲۵ سوره طه) نمایانده است که در مواقع لزوم از خداوند، نعمت شرح صدر را درخواست کند.

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۱۷۵-۱۷۴.

۲. جعفری، حمایت های غیبی در زندگی پیامبر اکرم (ص)، ص ۸.

۳. دستغیب، قلب سلیم، ج ۱، ص ۲۴۶-۲۴۷.

۳-۲۰- ایمان حقیقی زمینه ساز انقلاب درونی انسان و وصول به سعادت با توجه به (آیات ۷۳ و ۷۴ سوره طه)

ایمان دارای دو مولفه معرفت و برانگیختگی عاطفی است که مولفه عاطفی انگیزه کافی برای کشانده شدن اعتقادات به وادی عمل را فراهم می کند. چنان که امام باقر فرموده است: ((ایمان آن است که در دل مستقر شود و بنده را به سوی خدای عزوجل کشاند، و اطاعت خدا گردن نهادن به فرمانش مصداق آن باشد)).^۱

ایمان، بسنده نکردن به معرفت ذهنی و راسخ شدن اعتقادات در قلب است، این رسوخ و تعمیق معرفت در ذهن، انسان را بی تردید به رفتار متناسب با خود می کشاند، حس انقیاد و بندگی و تمایل به فضائل و رفتارهای پسندیده را در انسان زنده می کند و سبب انزجار آدمی از پستی ها و رذائل می شود، از این رو اگر انسان حقایق الهی را باور کرد و به آن ایمان آورد در حقیقت به امر و نهی خداوند و ارشادات او باور کرده است و همین امر سبب خواهد شد که او به فضائل اخلاقی آراسته گردد و از رذائل اخلاقی که مورد نهی و بغض الهی است ایمنی یابد. از این رو رکن اساسی اخلاق بندگی را باید در میزان ایمان افراد جستجو کرد.^۲ این ایمان حقیقی را می توان در ایمان آوردن و استقامت بر ایمان توسط ساحران نشان داد که با وجود موانع و سختیها و شکنجه های فرعون بر ایمان خود استقامت ورزیدند و معرفت حقیقی خداوند را خواستار شدند. این سوال پیش می آید که این ساحران چگونه به این سرعت به این پایه از ایمان رسیدند، یعنی تا جایی که از جان گذشتند و در برابر سلطان جایز، سخن حق گفتند؛ پاسخش این است، اول اینکه: حقایق هم چنان غامض باقی می مانند تا قلب به آن حقیقت بزرگ برسد و آن حقیقت بزرگ خداست. چون انسان خدا را شناخت، کوه های یخ که روی قلب او را گرفته اند آب می شوند و او آن گاه حقایق را پی برده و آشکارا خواهد دید. آیا خدای سبحان آفریننده آسمان ها و زمین و همه خلایق نیست؟ همچنین شناخت او سرّ هر علم و سرچشمه هر معرفت است. آن ساحران هم هنگامی که به خدا ایمان آوردند، به طور مسلم به قیامت و هرچه مربوط به آن است معترف شدند. دوم اینکه: طریق ایمان به

^۱ .تحریری، اخلاق بندگی، ص ۲۴-۲۳.

^۲ .همان، ص ۲۵.

یک حقیقت معین پر از موانع و فشارهای روحی است ولی انسان اصرار دارد که از آنها بگذرد، اگر به ایمان خالص دست یابد همه مشکلات راه برایش آسان خواهد شد. ساحران هم هنگامی که به خدا ایمان آوردند دیگر به ترغیب و ترهیب یا وعد و وعید فرعون ارجی ننهاده‌اند. از آن اعتباری که نزد فرعون داشتند چشم پوشیدند ولی از حسیض دنیا به اوج عالم بالا بال گشودند و در نتیجه به این مرتبه والا رسیدند، آری حرف ایمان آنها در این شرایط به مفهوم رویارویی با سلطه های شهوت و زور با همه ابعاد آن است. آنها در لحظه ای حساس که خداوند در دل‌هایشان تجلی یافت پس از آمادگی برای فداکاری و چشم پوشی از همه چیز در راه خدا و حقی که خود، آن را دیدند همه این مراحل را پیمودند. سوم اینکه: آنان اگر هم طاغوت را می پرستیدند از اعماق دل نبود بلکه به دلالت عقل و وحی ضمیر دریافته بودند که پرستش کسی چون فرعون یک جرم عظیم است، معجزه موسی (ع) چون تازیانه ای بود که وجدان خفته ایشان را بیدار ساخت.^۱

۳-۲۱- توجه به استعداد های فوق العاده اشياء

مسلماً آن روز که موسی، آن عصای شبانی را برای خود انتخاب نمود، باور نمی کرد که این موجود ساده از عهده چنان کار عظیمی به فرمان خدا برآید، آن چنان که قدرت فراعنه را درهم ریزد، اما خدا به او نشان داد که از همین وسیله ساده می توان آن چنان نیروی خارق العاده ای به وجود آورد. این در واقع درسی است به همه انسانها که در این جهان هیچ چیز را ساده نپندارند، ای بسا موجودات یا افرادی که ما با دیده حقارت به آنها می نگریم قدرتهای عظیمی در دل نهفته داشته باشند که ما از آن بی خبریم.^۲

۳-۲۲- رعایت ادب و تواضع در هنگام ورود به مکان مقدس

موسی به سوی آتش آمد، دید نور از درختی شعله ور است، نزدیکتر آمد، ناگهان تو با او سخن گفتی : ((ای موسی من خدای تو هستم، کفش هایت را بیرون آور، تو در سرزمین مقدس طوی

^۱ .مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۷، ص ۱۶۰-۱۵۹.

^۲ .مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۱۸۳-۱۸۲.

هستی)) او مامور شد کفش های خود را از پای درآورد، چرا که در سرزمین مقدسی گام نهاده ،سرزمینی که نور الهی بر آن جلوه گر است، پیام خدا را در آن می شنود و پذیرای مسئولیت رسالت می شود، باید با نهایت خضوع و تواضع در این سرزمین گام نهد.^۱

موسی کفش های خود را بیرون آورد، او به مکانی رسیده بود که پروردگارا ، تو با او سخن می گفتی، باید به احترام آن مکان، کفش های خود را بیرون می آورد. این سخن تو درس بزرگی برای من است، هنگامی که به مسجد یا مکان مقدسی وارد می شوم، باید تواضع و فروتنی کنم و کفش خود را درآورم. این نشانه ادب و تواضع است.^۲

بیرون آوردن کفش ، رمزی است که به مجرد انسان از همه علائق اشاره دارد و تا این مجرد نباشد پرتو آسمانی را نتواند یافت. وقتی که به زن و فرزند، به مقام و مال و جاه، دلبسته باشد هرگز معنی رسالت الهی را در نیابد. زمانی که تو از همه علائق مجرد شدی به خدا توجه می یابی. در حج هم همین گونه است در آنجا نیز فرمان میشود که لباسها را از تن بیرون کنند و لباسی ساده بر تن پوشند. آن که احرام می بندد از همه علائق زمینی و ارزش های مادی دل برمی کند و به خدای تبارک و تعالی روی می آورد.^۳

۳-۲۳- توبه نصح ساحران، ملاکی برای توبه حقیقی

یکی از زیباترین جلوه های بندگی، درخشش بارقه رحمت در دل بندگان، و رو کردن از سر لطف خدای متعال به بندگان گنهکار است. گاه بنده گناهکار خود را رانده درگاه الهی می بیند، گو اینکه خدای متعال نظر لطفش را از سر او برداشته که ناگاه درون وی نوعی احساس پشیمانی جوانه می زند (مانند احساس قلبی ساحران) و شوق بازگشت به بارگاه ربوبی در دل او شکل می گیرد. در برخی روایات بر این واقعیت تاکید شده است که هر چند بنده چنین می پندارد که این اوست که راهی درگاه الهی شده و با سرافکنندگی رو به درگاه خدای بخشنده آورده است، ولی در واقع، این تدبیر

^۱ . مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۱۶۸.

^۲ . خدامیان آرانی، تفسیر باران (نگاهی دیگر به قرآن مجید)، ج ۶، ص ۲۷۴-۲۷۳.

^۳ . مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۷، ص ۱۱۵.

پروردگار عالمیان است که دل های آدمیان را در دست قدرت خود داشته ،به هرگونه که خود بخواهد و بنده لایق آن باشد، اداره می کند. یکی از جلوه های این تدبیر کریمانه توام با رحمت، رو کردن به بنده، برای فراهم کردن زمینه توبه و مغفرت برای بندگان گناهکار خویش است. حقیقت توبه همان پشیمانی از گناه است؛ به خاطر زشتی آن معصیت در نزد خداوند متعال، زیرا خلاف رضای او را انجام داده است.^۱

به عبارت دیگر، حقیقت توبه همان حسرت و پشیمانی قلبی و به درد آمدن دل است از گناهی که کرده و هر اندازه اندوه دل بیشتر باشد توبه اش به قبول نزدیک تر است و آن هم تابع بزرگ دانستن گناه است.^۲ این ویژگی به شدت در نحوه رفتار ساحران در داستان حضرت موسی در سوره طه به چشم می خورد که نیازمند توجه همه افراد بشر است .

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که بیان گردید، می توان گفت از آن جایی که یکی از اهداف اصلی خداوند در قرآن کریم، ارائه الگوی رفتاری مناسب (پیامبران) برای مخاطب آیات قرآن است، بی شک آموزه های تربیتی (در لغت به معنای آموزش در جهت پرورش و رشد حقیقی فرد) وارد شده در داستان حضرت موسی نیز در سوره طه، برای تمام انسان ها قابل یادگیری و توجه است.

اهمیت این موضوع از این جهت قابل توجه است که: بسیار اتفاق افتاده که ما نیز در بیابان بی فریاد زندگی سرگشته می شویم، در آن حال در پی دستی هستیم که ما را از گمراهی برهاند، این دست رهاننده، دست خدای مهربان است، خدائی که در آن شب سرد و تاریک با موسی سخن گفت و موسی با او به راز و نیاز پرداخت.

^۱ .تحریری، اخلاق بندگی، ص ۶۶-۶۵.

^۲ .میر خلفی زاده، قصص التوابعین، ص ۲۱.

با دقت عمیق در آیات سوره طه (داستان زندگی و رسالت حضرت موسی) ثابت شد که به معیارهای گوناگون و مناسب اخلاقی و رفتاری میتوانیم دست یابیم. از جمله این نتایج این است که: دستورات الهی، همگی بر اساس حکمت و علم بی انتهای خداوند به حضرت موسی رسیده، بطور مثال دستور خداوند برای استفاده از غذای حلال و پاک به حضرت موسی، دانشمندان امروز نیز معتقدند بسیاری از پدیده های اخلاقی به خاطر هورمون هائی است که غده های بدن تراوش می کند و تراوش غده ها رابطه نزدیکی با تغذیه انسان دارد، بر همین اساس بعضی معتقدند، که گوشت هر حیوانی حاوی صفات آن حیوان است و از طریق غده ها و تراوش آنها در اخلاق کسانی که از آن تغذیه می کنند اثر می گذارد، گوشت درندگان، انسان را درنده خو می کند و گوشت خوک، صفت بی بند و باری جنسی را به خورنده آن منتقل می کند، غذای حرام، قلب را تاریک و روح را ظلمانی می کند و فضائل اخلاقی را ضعیف می سازد. خداوند دانا، حتی در ریزترین موضوعات زندگی بشر، الگوی مناسب رفتاری و اخلاقی را نشان داده است تا راه را از بیراهه، بهتر تشخیص دهیم، پس ما نیز باید دقیق تر، کلام الهی را مورد بررسی قرار دهیم و در تطبیق نکات آیات یاد شده بر مصادیق آن در زندگی فردی و اجتماعی خود بکوشیم و شیرینی این معارف را با عمل به آنها بچشیم. مانند حضرت موسی در فراز و نشیب زندگی، یاد خدا را فراموش نکرده و فضائل اخلاقی همچون صدر، زبان نرم و گویا و رسا و تاثیرگذار را طلب کنیم.

فائده ای بسیار مهم که از این آیات حاصل می شود این است که انسان تا چه حد می تواند فرا رود که به هم صحبتی خدای تعالی نائل آید (مانند حضرت موسی). در مقابل تا چه حد می تواند نزول کند که به صورت فرعون درآید. آری، در هر انسانی دوگونه استعداد متضاد است: استعداد موسی شدن و استعداد فرعون شدن.

فهرست منابع

(کتاب)

*قرآن کریم

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، ترجمه کامل جهاد با نفس، ترجمه محمدحسین محمودی گلپایگانی، تهران: انتشارات لاهوت، چاپ هفتم، ۱۳۹۱ ه. ش.

۲. نجاتی، محمد عثمان، قرآن و روانشناسی، ترجمه دکتر عباس عرب، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۸۱ ه. ش.

۳. باقری فر، علی، پیام راهنما، تهران و قم: موسسه فرهنگی دین پژوهی بشر، چاپ دوم، ۱۳۹۶ ه. ش.

۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۴ ه. ش.

۵. -----، آیات اخلاقی، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه. ش.

۶. -----، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه. ش.

۷. توسلی، علی محمد، تفسیر آیات دین و زندگی، بی جا: اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۶ ه. ش.

۸. رضوانی، جابر، تاریخ انبیاء (از آدم تا خاتم)، تهران: انتشارات جهان آرا، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ه. ش.

۹. راشدی، لطیف، قصه های قرآن، تهران: انتشارات پیام عدالت، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه. ش.

۱۰. دستغیب، سید عبدالحسین، قلب سلیم، مشهد: انتشارات هائف مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه. ش.

۱۱. قدس میرحیدری، سید جعفر، تاریخ انبیاء (قصص القرآن)، تهران: انتشارات تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ ه. ش.

۱۲. میرخلفی زاده، علی، قصص التوابین، بی جا: محمد و آل محمد (ص)، بی تا

۱۳. مدرسی، سید محمدتقی، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه. ش.

۱۴. قرائتی، محسن، ترجمه و تفسیر قرآن کریم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ سوم، ۱۳۹۶ ه.ش.

۱۵. تحریری، محمدباقر، اخلاق بندگی، قم: مرکز نشر هاجر، چاپ دوم، ۱۳۹۶ ه.ش.

۱۶. نظری، محمد و دیگران، درسنامه نهج البلاغه، قم: مرکز نشر هاجر، چاپ دوم، ۱۳۹۹ ه.ش.

۱۷. خدامیان آرانی، مهدی، تفسیر باران، قم: انتشارات وثوق، چاپ اول، ۱۳۹۳ ه.ش.

مقاله

۱. طیب حسینی، سید محمود، ((حاکمیت سیاسی جامعه اسلامی و ویژگی‌های آن در سوره‌های مکی قرآن، بررسی سوره طه))، معرفت سیاسی، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ه.ش.

۲. جعفری، یعقوب، ((حمایت‌های غیبی در زندگی پیامبر اکرم (ص))، فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸ ه.ش.

۳. چابکی، ام البنین، خادمی، فاطمه، صادقی، عشرت، ((باز شناسی عوامل رهبری حضرت موسی (ع) با تاکید بر سوره طه))، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت اسلامی، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴ ه.ش.

